

## نوروز و نگاهی به سفره هفت‌سین ایرانی



رویا باوری  
جامعه شناس

در طول زندگی ما ایرانی‌ها، نوروز، همواره با هوای بهاری، سنبل و بنفشه و ترنکس، لباس‌های سفید و بنفش و صورتی، گل بهی و لیمویی باغچه و آواز حاجی فیروزها سر چهارراه، تانکدن غبار و سیاهی از خانه‌ها، سبز کردن سبزه و البته پهن کردن سفره‌ای از سین‌های زندگی همراه بوده است. آن چنانکه امروز کمتر خانه‌ای را می‌توان یافت که خبری از سفره هفت‌سین در آن نباشد. بی‌تردید همین یکی از موارث زیبا و پرمفهوم نیکان ماست که ریشه در نگاه و تفکر اسطوره‌ای ما ایرانیان دارد که در طول تاریخ چند هزار ساله ما، همراه با تغییراتی، با ما بوده و همچنان کارگزارهای فرهنگی و اجتماعی خود را حفظ کرده است.

بررسی متون کهن تاریخی اساطیری ما نشان می‌دهد که چیدن سفره هفت سین در دوران باستان صرفاً برای تزئین و زیبایی نبوده، بلکه فلسفه چیدن آن جنبه‌ای مقدس و آیینی داشته است. به تأیید مورخان در گذشته وقتی سرزمینی مورد تهاجم قرار می‌گرفت معمولاً یکی از اهداف قوم پیروز نابودی فرهنگ و تمدن قوم مغلوب و البته جانشین کردن فرهنگ و تمدن خود بوده است که به تبع آن تحمیل زبان و آداب و رسوم و باورهای اعتقادی نیز بوده است. در واکنش نسبت به این پدیده، مردم بومی نیز برای پاسداشت فرهنگ بومی نیکان خود، راهکارهای مختلفی را پی گرفته‌اند. دراین مسیر مردم مغلوب، هرچند ممکن است در آشکارا رضایت فرهنگ جدید را پذیرفته باشند ولی در نهان به باورها و فرهنگ خود پایبند مانده‌اند. در طول تاریخ در پی گذشت سال‌ها، رفته رفته این آمیختگی موجب دگرگونی‌های بسیار حتی رسیدن به مرز بیگانگی نسبت به فرهنگ پیشینان شده است. فرهنگ و تمدن ایرانی نیز از این امر مستثنی نبوده و در مسیر چند هزار ساله خود چنین تجربه‌هایی را از سر گذرانده مانند هجوم مغول‌ها و اسکندر و نیز اعراب.

پهن کردن سفره هفت سین نیز با همه دگرگونی‌هایی که داشته یادگاری است که از پیشینیان به ما رسیده است. هر چند نظر‌های مختلف از وجود «هفت‌شین» یا حتی «هفت چین» ادر زمان و مکان‌های مختلف شاهد آورده‌اند اما به نظر می‌رسد بتوان گفت پهن کردن و چیدمان سفره هفت‌سین به جا مانده از ایران باستان، نوعی اجرای مراسم آیینی برای هفت امشاسپند (هفت وجود نامیرای مقدس) بوده که هر یک سین، نماد یکی از اینها است. از طرف دیگر ایرانیان شاید برای حفظ این آیین باستانی به جای واژگان «هفت سین» با استفاده از هفت حرف الفبایی، جایگزین کرده باشند و در نتیجه می‌توان گفت آنچه در حال حاضر بر سر سفره «هفت‌سین» نهاده می‌شود، «سین»‌هایی است که در دوران مختلف بنا بر اقتضایات فرهنگی، جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی افزوده یا حذف شده است.

با توجه به متون کهن به زبان‌های اوستایی، پهلوی و آنچه در پیش شرح آن آمد، می‌توان ادعا کرد که گذاشتن سکه و سنبل و سیر و سرکه، سبزه و سمناق و سمنو و امثال آنها بر سفره هفت سین امروزی، رسمی و سنتی است که در طول زمان، بنا بر شرایطی که در پیش گفته شد، برای محتویات سفره هفت سین رخ داده است. اما در هر حال این سعی و تلاش مردم سرزمینمان که با هم فراوان و با وجود تمام موانع تاریخی و اجتماعی و فرهنگی، برای زنده و پاس داشتن از ارزش‌ها و فرهنگ باستانی خود انجام داده‌اند، زیبا و قابل تقدیر است. در حقیقت باید گفت که در برگزاری این آیین ایرانی، یک پیام ناب انسانی و جهانی و جاودانی نهفته، که نیکان نیکان ما ضمن دستیابی به مقامی معنوی و اخلاقی داشته‌اند. بدین ترتیب که هر سال با نزدیک شدن به سال نو ضمن یادآوری آن به خود، در پرتو نور ازل‌ی اهورایی به همراه اندیشه نیک و کردار درست، دعوت به زندگی این جهانی و رسیدن به آمادگی برای حیات مینوی و در نهایت به کمال جاودانگی کرده‌اند.

از سوی دیگر در دوران اخیر همان‌طور که شاهدیم، زمین و زیستگاه بشری در معرض آسیب‌های فراوان است. از این‌رو علاوه بر فلسفه کلی سفره هفت سین، می‌توان پیام مهم دیگری را از دل سفره هفت سین برای انسان امروز هدیه داد. پیامی که حکایت از تلاشی همگانی برای حفظ سیاره زمین و هر آنچه از جماد و نبات و حیوان در آن است، دارد. چرا که باید همواره به‌خاطر بسپاریم که جامعه بشری فقط یک زمین دارد و پس! از این‌رو در این دوران سخت که روح و جسم بشری از جنگ و فقر گرفته تا کرونا، زخم خورده است و همان‌طور که زمین آفرده نیاز به نو شدن و حیاتی دوباره دارد ما نیز به اعتدالی همچون اعتدال بهاری نیاز داریم. اعتدالی که می‌توان به مدد نمانده‌ای سفره هفت سین از سرما یز زمهریر اندیشه عبور کرد و با نگاهی نو به همه چیز، طریقی نو در انداخت. و برای رسیدن به امنیت و سلامت و همدلی با همه ابنا ی بشر و زیستی معنوی و اخلاقی، در کنار سفره هفت سین دست به دعا بداریم و با تعامل و مشارکت، به همدیگر یاری رسانیم.به امید آن روز!

## کارشناسان و جامعه‌شناسان از برگزاری آیین نوروز و تأثیر آن بر زندگی مردم می‌گویند:

# نوروز نوگشت جان و جامعه

مهسا قوی قلب  
خبرنگار

هزاران سال است که ما ایرانی‌ها در هر جای دنیا فرا رسیدن بهار را به عنوان عید نوروز جشن می‌گیریم. نوروز با آیین‌ها و سنت‌های زیادی در هم گره خورده، از جشن چهارشنبه‌سوری، خانه‌تکانی و تدارک سفره هفت‌سین که هر یک از سین‌ها نمادی از آغاز رویش و تولد دوباره زمین را نشان می‌دهد، گوش فرا دادن به دعای یا مقلب القلوب و الإبصار در لحظه تحویل سال و دید و بازدید از اقوام و بزرگ ترها، عیدی دادن‌ها و شادباش گفتن‌ها و حتی زیارت اهل قبوری که دیگر در میان مانده‌اند و طلب آمرزش برای روح ایشان تا گره‌زدن سبزه در سبزه‌بدر که آخرین روز از تعطیلات نوروز است. عید نوروز از مهم‌ترین جشن‌های ایرانیان از دوران باستان در طول تاریخ به شمار می‌رود و حتی به قبل از حکومت مادها بازمی‌گردد، هرچند در دوران مختلف با آداب و رسوم متفاوتی، این عید جشن گرفته می‌شد. اما نقطه مشترک آن با دنیای مدرن، تزئین آمید و نشاط در میان تمامی فارسی‌زبانان در سراسر دنیاست و نشان از همبستگی و نزدیکی دل‌های اقوام مختلف ایرانی در جای‌جای این کره خاکی دارد. در طول

## نوروز بهار امیدواری



سیدمحمد  
بهشتی  
مدیر فرهنگی

در بیان اهمیت و عظمت نوروز همین بس که نزد ایرانیان «شب عید» طولانی‌ترین شب سال است. شب عید پیش از یک ماه طول می‌کشد؛ یعنی با آغاز اسفند همه ما به نوعی دچار شب عید می‌شویم. بسیاری تلاش کرده‌اند

که از طرق مختلف اهمیت نوروز را کمرنگ کنند، اما عاقبت همگی متوجه شده‌اند که آب در هاون می‌کوبند و هیچ‌گاه به مقصود نخواهند رسید. ۱۴۰۰ سال است که ایرانیان در عین مسلمانی، نوروز را برپا می‌دارند و با دعای تحویل سال، به استقبال سال جدید می‌روند. نوروز آیین‌ها و سنت‌های خاص خود را دارد که در آن مظاهر تجلی پیدا می‌کند: خانه‌تکانی، ای که قبل از عید انجام می‌دهیم، چهارشنبه‌سوری که جشن آخرین چهارشنبه سال است، حاجی فیروز هم که نماد نوروز برای ما ایرانی‌ها است، تهیه مقدمات سفره هفت‌سین و دید و بازدید از خانواده‌ها، دوستان و آشنایان و در نهایت سبزه‌بدر، هرکدام شکل و صورتی خاص خود دارد ولی غالب آنها مراسمی خانوادگی و اجتماعی است. لیکن اتفاقی که سال گذشته و امسال روی داده این است که به علت کرونا، بخش قابل توجهی از آیین و آداب نوروز قابل اجرا نیست و نوروز

در محذور قرار گرفته است؛ گردهمایی‌هایی که به مناسبت چهارشنبه‌سوری در محیط‌های عمومی شکل می‌گرفت، امسال وجود ندارد یا دید و بازدیدهای عید به‌خاطر شرایط قرنطینه و جلوگیری از شیوع ویروس کرونا، محدود می‌شود. در این اوضاع چیزهای قابل تأملی نیز وجود دارد؛ پیش از کرونا، آیین نوروز هر ساله تمام و کمال برگزار می‌شد و هر سال تمامی عادات و رسوم را به جام می‌آوردیم. معمولاً وقتی آداب و رسوم مختلف در جامعه، طی سالیان طولانی، بی‌هیچ کم و کاستی برگزار می‌شود، تبدیل به عادت می‌شود. نتیجه آن آیین یا رسم که از قضا بنیاد ما را از روزمرگی برهاند، خود تبدیل به امری روزمره و تکراری می‌شود. عادت همچون پرده‌ای است که در مقابل واقعیت و حقیقت قرار گرفته و افراد را از توجه و تذکر نسبت به مقصود و هدف آن رسم و آیین غافل می‌کند. اینک شرایط کرونا، همه عادات را تحت‌تأثیر قرار داده و نوروز را از حالت عادی‌اش خارج کرده است و این خرق عادت کمک می‌کند تا به حقیقت پس نوروز پی برده و واقعیت نوروز را عریان ببینیم. در این میان، اگر کسی اهل توجه نباشد، تصور می‌کند که کرونا سبب تضعیف نوروز شده ولی واقعش این است که ای بسا بر عطش و تشنگی نسبت به حقیقت این امر افزوده است. اینجاست که درمی‌یابیم کرونا، اثر مثبتی داشته و آن هم ایجاد اختلال در جریان رسومی است که از روی عادت انجام می‌شدند. امروز سنت‌های نوروز به مثابه

عادت و بر همان سیاق قبل قابل اجرا نیست و این ما را متوجه حقیقت نوروز کرده است. در این اوضاع آن جوهره‌ای که قابل تداوم است، تداوم می‌یابد اما بنا به اوضاع جدید به‌ناگزیر مظاهر و اشکال جدیدی برای خود می‌جوید و پیدا می‌کند. در دنیای امروز، دید و بازدیدها به‌مدد ارتباطات مجازی بیشتر هم شده. در شرایط قبل از کرونا، افراد شاید یکبار به دیدن هم می‌رفتند، اما در این شرایط جدید که مردم از طریق فضای مجازی با هم ارتباط دارند، بیشتر از گذشته از حال هم باخبر می‌شوند. بنابراین اگر نیک بنگریم شاید به این نتیجه برسیم که با کنار گذاشتن عادات، می‌توانیم به درک بهتری از نوروز دست پیدا کنیم، البته این امر، مستلزم این است که فعالانه برخورد کنیم و متفعل باشیم. وقتی که متفعل باشیم، یعنی قافیه را به کرنا باخته‌ایم و آنگاه دیگر هیچ خلاقیت و ابتکار و فعل جدیدی از ما سر نخواهد زد و در نهایت هم می‌تواند اثرات سوء داشته باشد و افراد را به سمت افسردگی و سرخوردگی و ناامیدی سوق دهد. در حالی که شاید مهم‌ترین خاصیت نوروز تقویت امیدواری باشد؛ چرا که از قدیم می‌گفتند در پس هر زمستان، بهاری است. مسلماً دچار شدن به ناامیدی را باورایی که فحوائ آن امیدواری ست، ناشایست است. این شکوفایی و رستاخیز باید ابتدا در درون ما اتفاق بیفتد، همان‌طور که در دعای تحویل سال هم، تغییر و شکوفایی نوید داده می‌شود.

## نوروز، آینه‌ای از تنوع فرهنگی و همبستگی ملی



علیرضا حسن‌زاده  
رئیس پژوهشکده  
مردم‌شناسی  
پژوهشگاه  
میراث فرهنگی و  
گردشگری

مجموع مطالعات مردم شناسی و ایران‌شناسی که تاکنون از سوی مردم‌شناسان و محققان مختلف انجام شده، بر این امر دلالت می‌کند که ایرانیان، اهمیت گذر زمان و تقویم را چه در فرهنگ رسمی و چه در فرهنگ غیر رسمی خودشان، خیلی خوب درک کرده بودند، به همین دلیل مواجه هستیم با آیین‌های تقویمی در سطح ملی و محلی که هر یک به نوعی دگرگونی و تغییر فصول را جشن می‌گیرند و اعلام می‌کنند، برای مثال این مساله را عنوان کرد که اعتدال پاییزی، انقلاب زمستانی، اعتدال بهاری و انقلاب تابستانی هر یک با آیین‌های مختلفی در میان مردم ایران گرفته می‌شود. طبیعی است که ما در گستره وسیع سرزمین ایران با اقوام مختلفی که ایرانی هستند، روایت‌های گوناگونی از نوروز را مشاهده می‌کنیم و این روایت‌ها آینه‌ای از تنوع فرهنگی و همبستگی ملی شناخته می‌شود؛ اگر نگاهی به این آیین‌های تقویمی داشته باشیم، مشاهده می‌کنیم که در نقطه اعتدال بهاری که آیین نوروز برگزار می‌شود با جشن گرفتن اعتدال بهاری با نام نوروز بهاری مواجه هستیم، اما در عین حال در بین اقوام دیگر ایران همچون فرهنگ شبانی، در شمال ایران، در مردادماه تقریباً هم‌زمان با انقلاب تابستانی، آیین نوروز شبانی برگزار شود و در همین مورد، در خلیج فارس در زمانی که مربوط به انقلاب تابستانی و همچنین فصل ماهیگیری است، نوروز صیادی یا در واقع نوروز دریایی را داریم؛ به این ترتیب همبستگی عمیقی را بین ایرانیان و خرده فرهنگ‌های مختلف آن با تمرکز بر نوروز می‌بینیم که از فرهنگ اعراب ایرانی تبار در خلیج فارس تا شمال ایران یعنی گیلک‌ها، طالش‌ها و مازندرانی‌ها را در بر می‌گیرد و تحت عنوان نوروز چوپانی یا شبانی یا نوروز ول گرمی داشته می‌شود. بنابراین نوروز از یک سو حلقه اتصال اقوام ایرانی در طی زمان بوده و از سوی دیگر فراتر از مرزهای سیاسی ایران هم به عنوان یک عنصر مشترک در میان مللی که دارای یک میراث میان فرهنگی مشترک هستند، حلقه اتصال دیگری به شمار می‌آید. نوروز در چشم‌اندازهای مختلفی این همگرایی را نشان می‌دهد، یعنی همان‌طور که همگرایی اقوام ایرانی را نشان می‌دهد، توسط خرده آیین‌های مختلفی که با آیین نوروز ارتباط دارند، عملاً همگرایی را در سطوح مختلف بازتولید یا می‌کند، این سطوح از خانواده تا محله، دوستان، آشنایان و فامیل را در بر گرفته و به همسفری‌ها هم روستایی‌ها یا هم‌ولایتی‌ها می‌رسد. در کل آیین‌هایی که این شکل برگزار می‌شود، یکی از مهم‌ترین چشم‌اندازهای فرهنگی، شادمانی و امید را در ایران نشان می‌دهد؛ به واقع نوروز مانند مهرگان، یکی از مهم‌ترین چشم‌اندازهای شادمانی در طی تاریخ در ایران بوده است، عملاً ما برای اینکه سال نو را آغاز کنیم، نیاز به امید و شادمانی داریم و نیاز به نورایی و باز زدایی داریم و این موارد را می‌توانیم در آیین نوروز ملاحظه کنیم؛ بنابراین این مشاهده می‌کنیم که بین همگرایی، امید و شادمانی در پهنه یا چشم‌انداز نوروز، ارتباطی عمیق وجود دارد.

عرصه مشارکتی و مداخله‌ای جدی، انسجام‌بخشند و نوعی همبستگی روحی عمیق در بین اعضای جامعه ایجاد کنند؛ در آیین نوروز نیز این مکانیسم‌های انسجام‌بخش و انتظام‌بخش، عملاً فقط در سطح خویشاوندی و خانوادگی و در فضاهای اندرونی عمل می‌کنند. این موضوع منجر به نوعی کاستی جدی در جامعه به‌خاطر فقدان یک فضای آیین فراگیر و عمومی شده است. به همین دلیل هم هست که مناسبت‌های آیین نوروزی، با وجود تعطیلی فراگیر دو هفته‌ای، ما همچنان شاهد محوری خانواده و خانه در مناسبت‌ها و کنش‌های آیین هستیم و شریان اصلی حیات آیین نوروز در این فضا توانسته بازتولید شود. آیین‌ها به‌دلیل قدرتی که در بر ساخت و خلق تعلقی اجتماعی، نظم اخلاقی و تغییرات اجتماعی دارند، می‌توانند محوری کلیدی در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی باشند، از این‌رو نیازمند آن هستیم که در منطق آیین نوروز و شیوه‌های اجرای آن آیین در سطوحی فراتر از خانه و خویشاوندی، نوعی بازبینی داشته باشیم و این مستلزم آن است که عرصه عمومی و حوزه تدبیر و سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی، امکان بازی برای اجرای این آیین و مشارکت مردم در آن از طریق ایجاد نوروزگاه‌ها و بارعام‌های صاحب منصبان و بزرگان جامعه فراهم کنند. تا جامعه هم از حیث نظم اجتماعی و هم شبکه‌های هویتی افراد و گروه‌ها و هم از حیث روابط عاطفی و تعلقات روحی افراد به هم و به کلیت جامعه، قدرت بازسازی و تقاوانه خودش را داشته باشد.

می‌توان آن را دنبال کرد. این سه سطح از پیوند، دقیقاً متناسب با سه سطح از هویت هم بودند: هویت فردی – خانوادگی برای همه شبکه‌های خویشاوندی و گروه‌های اولیه در جامعه، هویت اجتماعی – عمومی در عرصه عمومی جامعه و برای اهالی شهر و روستا، هویت کلان سیاسی در سلسله مراتب ایدئولوژی قدرت در جامعه؛ در نتیجه از خلال آیین نوروز افراد این فرصت را داشتند که در همه این سطوح هویت خودشان را بازسازی کنند و این آیین می‌توانست از خلال این مکانیسم‌های چندلایه آیینی، نظم و انسجام اجتماعی و اخلاقی جامعه را بازگرداند و در نهایت کند، اما اتفاقی که در چند دهه اخیر در دستگاه‌های سیاستگذار جامعه رخ داده کمرنگ کردن شدید سطوح دوسه است، البته در سطح سوم، فقط پیام رهبران جامعه را می‌توان شاهد بود، اما بازدید عمومی یا آنچه که در گذشته آن را نوعی بارعام تلقی می‌کردند عملاً حذف شده است، در نتیجه در عمل دید و بازدیدها، به مثابه نشانه کلیدی مشارکت آیین نوروز، فقط در سطح اول عمل می‌کردند. این در حالی است که در جامعه ایرانی که نظم اقتصادی و اداری و روال اصلی زندگی حول تقویم شمسی ساماندهی شده است (و تقویم قمری صرفاً در مناسبت‌های مذهبی و برخی رویدادها مانند آیین‌های ازدواج و حیطه‌های حاکمیتی محدود است) ما شاهد نوعی کاستی یا تحیف بودگی مناسبت‌های آیین فراگیر و قدرتمندی هستیم که بتوانند همه سطوح هویتی و همه بخش‌های جامعه را در یک

ایرانی حول تقویم شمسی و معیشت کشاورزی، آیین حیاتی فرهنگ ایرانی دانست و بسیاری از عناصر عقاید و جهان بینی انسان ایرانی در این آیین نمود یافته است. اما مسأله اصلی در این نوشتار نه ماهیت تاریخی و اساطیری و ارزشی این آیین، بلکه مکانیسم‌های عملکرد و اثربخشی آن است. اصولاً در پدیده‌های آیینی، مسأله اصلی وجه کنشی و عملکردی افراد و گروه‌هاست؛ بواسطه این مشارکت و مداخله عملی است که آیین‌ها امکان اثرگذاری دارند. آیین‌های نوروز حسب روایت‌های تاریخی جایی بودند که همه اجزای جامعه را دور هم جمع می‌کرد، از دید و بازدیدهایی که در بستر فضاهای خانگی رخ می‌داد، تا دید و بازدید در دربار که مناسبات قدرت و سیاست را در اجتماع صاحب منصبان متجلی می‌کرد، تا فضاهای عمومی و بازارها و گذرها که جایی برای مواجهه‌های عمومی بود، نوعی عرصه عمومی آیینی را ایجاد می‌کردند که مهم‌ترین نمود این عرصه عمومی، فضاهایی بود که به نام نوروزگاه معروف بود و امروز هم در برخی کشورهای حوزه تمدنی ایران می‌توان آنها را دید. به عبارت دیگر ما سه سطح از بنسرها مشارکت و حضور آیینی را داشتیم؛ ۱- سطح اندرونی‌های خانگی، با دید و بازدیدهای آشنایان و خویشان ۲- سطح اجتماعی و عرصه‌های عمومی ذیل فضای نوروزگاه‌ها، برای دید و بازدیدهای اهالی شهر ۳- سطح کانون‌های قدرت که اوج آن در فضای دربارها بود و در خانه‌های صاحب منصبان و بزرگان شهر و کشور هم

آیین‌ها و مناسک نقشی کلیدی در نظام‌های فرهنگی و اجتماعی دارند. آیین‌ها بواسطه گرد هم آوردن اعضای یک گروه در بستر زمانی و مکانی خاص و حول ایده‌ها، پدیده‌ها و ارزش‌های بسیار مهم و جدی، فرصتی برای پیوندهای ذهنی و درونی افراد و گروه‌ها و ایجاد حس تعلق نسبت به اجتماع را فراهم می‌کنند. از این روی یک گروه یا یک جامعه، از خلال آیین‌ها ساخته می‌شود، پویایی‌اش را به دست می‌آورد و ندانوشن را حفظ می‌کند؛ در بسترهای آیینی است که یک جامعه می‌تواند خود و اصولش را برای خودش روایت کند و آنها را مورد بازخوانی و گاه تغییر قرار بدهد. به همین دلیل می‌توان آیین‌ها را بنض جامعه و فرهنگ دانست؛ همه آیین‌های یک جامعه، لزوماً وزن یکسان و همسانی در حیات روحی و اخلاقی آن جامعه ندارند، برخی نقشی کانونی دارند و برخی هم نقشی در حاشیه.

در جامعه ایرانی مهم‌ترین آیینی که در فرهنگ سنتی ما و در بستر هویت ایرانی نقشی کلیدی برای فرهنگ ایرانی دارد آیین نوروز است. آیین نوروز که می‌توان آن را مجموعه‌ای از آیین‌های مرتبط با تحویل سال دانست، از آیین‌های پایان سال تا آیین‌های سبزه‌بدر، جایی است که می‌توان آن را در فرهنگ تاریخی



جبار رحمانی  
مردم شناس و  
استاد دانشگاه

## آیین نوروز در زمانه ما

## یادداشت

# بمب ساعتی کرونا زیر پای دید و بازدیدهای نوروزی!

رضا فرخی

همین روزها نباشد کمتر نیست!

### ■ اوضاع قمر در عقرب کرونا در سراسر کشور

شاید تنها تفاوتی که اسفندماه امسال با پارسل دارد این است که کرونا برای مردم عادی‌تر شده و زندگی کردن با کرونا راحت‌تر و هراس‌ناش از آن کمتر! برای همین بسیاری تأکید می‌کنند که فروردین سال ۱۴۰۰ می‌تواند ترسناک‌تر از سال گذشته باشد. چرا که مردم به مرز عادی‌انگاری رسیده‌اند. سندن این مسأله را می‌توان در عکس‌های چند روز اخیر برخی بازارهای شهرهای بزرگ دید، از جمله بازار تهران ا در استان این عکس‌ها به عینه شاهد هستیم که حجم حضور

مردم در بازار درست به اندازه سال‌های قبل از شیوع کروناست. تنها تفاوتش این است که عده‌ای این وسط ماسک زده‌اند. حالا تصور کنید وقتی چنین وضعیتی در مرکز و قلب کشور یعنی تهران داریم در شهرهای دیگر چه خبر است! بسیاری از ناظران در استان خوزستان عنوان می‌کنند که علی‌رغم وضعیت فوق قرمز مردم همچنان رعایت نمی‌کنند و بسیاری از

کسانی که اهل رعایت شده‌اند مرگ یکی از نزدیکان را بیش چشم خود دیده‌اند و به نوعی عبرت گرفته‌اند. در شهرهای شمالی هم علی‌رغم همه هشدارهایی که داده می‌شود از همین روزها موج سفر آغاز شده است، حتی برخی از شهروندان برای ترس از ایجاد محدودیت سفر به شمال در روزهای پایانی اسفند از همین امروز بار و بندیل سفر به شمال کشور را بسته‌اند. گزارش‌ها همچنین نشان می‌دهد که برخی از استان‌های غربی که اتفاقاً شهروندانشان دائماً به خوزستان رفت‌وآمد می‌کنند آمادگی خیزش به سمت وضعیت قرمز را دارند و برخی از آنها نارنجی در لبه قرمز هستند.

### ■ افزایش کامنتهای مجازی؛ خسته شده ایم، دلمان سفر می‌خواهد

حالا با همین تصور از این وضعیت اوضاع در فضای مجازی به چندان از عدم سفر و نرفتن دید و بازدید ایرانیان خبر نمی‌دهد. برخی از شهروندان با این عنوان که خسته شده‌ایم، حوصله ماندن در خانه

را نداریم و دلمان برای نزدیکانمان تنگ شده و یا تکرار جمله و اکسن بخريد، دائماً از این خبر می‌دهند که نوروز امسال را مثل سال گذشته رفتار نخواهند کرد. موضوعی که نشانگر نوعی بی‌ملائی قابل پیش‌بینی در نوروز امسال از سوی شهروندان در مقابل کروناست. برخی کامنت‌های شهروندان اینقدر عجیب و غریب شده که شاید با خواندنش خنده برلب بسیاری بیاید. به عنوان نمونه برخی شهروندان عنوان کرده‌اند که چون در شمال ویلا خریده‌اند و بول دارند پس حتماً باید از ویلا ی خود استفاده کنند و در نوروز به سفر بروند.

از التماس آقای وزیر تا مزیت‌های عیدیدینی مجازی حالا با این توصیف از این وضعیت شاید برخی سؤال کنند که امسال نوروز تکلیف چیست و چه باید کرد؟ بدون در نظر گرفتن برخی فضاسازی‌های بی‌ربط و عجیب در فضای مجازی، وزیر بهداشت در چند روز اخیر تکلیف شهروندان را مشخص کرده است. آن چنان که وی التماس می‌کند که مردم فکر سفر رفتن

نداشته باشند و دوم اینکه مردم دیدوبازدید خود را به طریق مجازی انجام دهند. در همین باره برخی از شهروندان هم در طول این سال دیدوبازدید خود را به طریق مجازی انجام داده‌اند و براین باورند که این



اتفاق هم در نوع خود جالب بوده و هم ایمن و بدون وجود مشکلات و ترس ناشی از ابتلا به کرونا! این در حالی است که در نوروز سال گذشته یعنی سال ۱۳۹۹ بسیاری از شهروندان که به دیدوبازدید